

امام علی علیه السلام و ایران

مهدی باغی حسینی

www.ketab.ir

سرشناسه: فیاضی حسینی، مهدی
 عنوان و پدیدآوران: امام علی و ایران / مهدی فیاضی حسینی
 مشخصات نشر: مشهد: استوار، ۱۳۹۱
 مشخصات ظاهری: ۲۵۵ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۱-۶۳-۰
 بهاء: ۵۵۰۰ تومان
 یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
 موضوع: اسلام - ایران - تاریخ - از آغاز تا ۴۱ ق
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -
 سیاست و حکومت
 رده بندی کنگره: BP ۳۸۱/۹
 انبار: ۹۵۸ /
 رد: ۲۹۷/۹۵۱



نام کتاب: امام علی (علیه السلام) و ایران
 مؤلف: مهدی فیاضی حسینی
 ناشر: استوار، ۰۹۱۵۳۱۳۲۷۸
 لیتوگرافی: مشهد
 چاپ: دقت
 صحافی: حافظی و پسران
 نوبت چاپ: اول ۹۱
 شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۱-۶۳-۰
 قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

مشهد - جنب باغ نادری - گنجینه کتاب - انتشارات استوار تلفن: ۳-۲۲۳۲۵۶۲
 پخش هاتف مشهد: ۲۲۵۵۲۰۰ - ۲۲۲۰۳۴۸ پخش هاتف تهران: ۶۶۴۱۵۴۲۰

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بخش اول: راز علاقه ایرانیان به امیرالمؤمنین (علیه السلام)	
پیشگفتار	۱۱
فصل اول: دفاع امام علی (علیه السلام) از اُسرای ایرانی و محبت نمودن به آن‌ها	۱۹
علی بن ابیطالب علم نحو را وضع کرد	۳۰
قیام روزان سردار ایرانی	۳۳
علی سردار اسلام در جلولا	۴۱
دانشگاه (جندم) و زبان از علی برای تدریس در آن جا دعوت کرد	۵۳
یک روز از زنی علی در مدینه	۵۷
کارهای عمرانی و ادارتی امیر (علیه السلام) در سنوات چهاردهم تا بیست و دوم هجرت	۶۶
به وجود آوردن سازمان داد و ستد در عربستان از طرف علی	۷۶
علم نحو از طرف علی (علیه السلام) وضع شد	۸۱
چگونه آیات قرآن جمع آوری شد	۹۱
فصل دوم: اسلام گرایی ایرانیان در این روایات	۹۸
۱- تساوی عرب و عجم از دیدگاه اسلام	۹۸
۲- تجلیل از مقام عجم و مقام سلمان	۱۰۱
۳- فضیلت ایرانیان از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)	۱۰۱
۴- سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به فارسی و نهی او از بدگویی به ایرانیان	۱۰۱
۵- سلمان فارسی پیشتاز اسلام از مردان ایران	۱۰۲
۶- سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره بستگان سلمان	۱۰۲
۷- امام علی (علیه السلام) ملجا و راهنمای موالی	۱۰۲
۸- تجلیل و احترام خاص علی (علیه السلام) از ایرانیان اسیر	۱۰۲
۹- دفاع امام علی (علیه السلام) از حق ایرانیان	۱۰۵
۱۰- بشارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جلب عوطف غیر عرب به اسلام	۱۰۶
۱۱- ایرانیان شهر انبار و علی (علیه السلام)	۱۰۶
۱۲- جانب‌داری امامان از موالی و ایرانیان	۱۰۸
۱۳- اشتیاق ایرانیان برای پذیرش اسلام	۱۱۰

- ۱۴- حمایت ایرانیان از اسلام در گفتار حضرت رضا علیه السلام ۱۱۰
- ۱۵- مردم قم و خراسان، از زبان امام صادق علیه السلام ۱۱۱
- ۱۶- طیب عجم در محضر پیامبر ﷺ ۱۱۱
- پاورقی ها فصل دوم ۱۱۲
- فصل سوم: ایرانیان مسلمان در زمان پیامبر ﷺ ۱۱۴
- ۱- ام الفارسیه نخستین زن مسلمان ایرانی ۱۱۴
- ۲- سلمان نخستین مرد مسلمان ایرانی ۱۱۵
- نام زیبای سلمان برای روزبه ۱۱۷
- ۳- سرگذشت آزادی سلمان از بردگی (۱۲) ۱۱۷
- ۴- تنعم سلمان بر آزادی ۱۱۸
- ۵- دیار سلمان قبل از اسلام ۱۱۸
- ۶- نگاهی به فضایل سلمان ۱۱۹
- ۸- ارزش احترام به ائمه اثنی عشری مؤمن ۱۲۱
- ۹- کرامت عجیبی از سلمان ۱۲۱
- ۱۰- شرکت سلمان در جنگ ۱۲۲
- ۱۱- سلمان در جبهه شمال ایران ۱۲۳
- ۱۲- سلمان، آشنای صمیمی خانه ائمه علیهم السلام ۱۲۴
- ۱۳- شایستگی های سلمان از زبان پیامبر ﷺ ۱۲۵
- ۱۴- آرزوی مرگ ۱۲۶
- ۱۵- مهمان نوازی سلمان ۱۲۶
- ۱۶- درجه ایمان و مقام سلمان ۱۲۶
- ۱۷- یک خبر غیبی از سلمان ۱۲۶
- ۱۸- سلمان، مسلمان با فراست و هوشمند ۱۲۷
- ۱۹- اشعاری جالب در شأن و مقام سلمان ۱۲۷
- ۲۰- پاسخ قاطع سلمان ۱۲۸
- ۲۱- روایتی از پسر سلمان تحفه بهشتی (دعای تب بر) ۱۲۸
- ۲۲- جنگجوی جوان ایرانی در جنگ احد ۱۳۰
- ۲۳- شاگرد جدی ایرانی پای منبر رسول خدا ﷺ ۱۳۱

۱۳۱	پاورقی های فصل سوم
۱۳۵	فصل چهارم: گرایش ایرانیان یمن به اسلام
۱۳۵	۱- استقرار هزار نفر ایرانی در یمن
۱۳۶	۲- نامه پیامبر ﷺ به خسرو پرویز
۱۳۷	۳- نامه خسرو پرویز به باذان، شاه یمن
۱۳۷	۴- خورد پیامبر ﷺ با دو مأمور باذان (۴)
۱۳۸	۵- سلمان سدن باذان و گروهی از ایرانیان
۱۳۹	۶- عیث بن عزامی باذان در مدینه
۱۳۹	۷- شهادت شهید باذان (دومین مسلمان ایرانی)
۱۴۰	۸- فیروز دلاور، مرد مسلمان ایرانی
۱۴۱	۹- پیروزی فیروز بر اسب سواران
۱۴۲	۱۰- فیروز مردی مبارک از تیره مبارک
۱۴۲	۱۱- شهادت داذویه (دومین شهید ایرانی)
۱۴۴	خط بطلان بر تبعیضات نژادی
۱۴۵	گفتار قاطع پیامبر ۶ به بنی هاشم
۱۴۶	تبعیضات قومی در روزگار پیامبر ﷺ
۱۴۸	خواستگاری سلمان از دختر عمر
۱۴۹	تبعیضات در زمان خلافت ابوبکر
۱۵۰	تبعیضات و نظام طبقاتی در زمان خلافت عثمان
۱۵۲	یک نمونه از کمک های عثمان به مروان
۱۵۳	دستور به تبعیض نژادی در نامه معاویه
۱۵۴	نمونه ای از برخورد با تعصب عربی در مکتب اهل بیت علیهم السلام
۱۵۴	پی نوشت های فصل چهارم

بخش دوم: سیمای مذهبی سلمان و ایرانیان پس از فتح ایران

۱۶۱	فصل اول: نگاهی بر مدائن پایتخت ایران پس از فتح آن
۱۶۱	الف: اسلام دین جهانی و جاودانی
۱۶۲	ب: پیشگویی پیامبر ﷺ از پیروزی های آینده
۱۶۳	ج: فلسفه جنگ در اسلام و راز خنده پیامبر ﷺ

۱۶۴	د: شرح کوتاهی پیرامون مدائن و غنیمت‌های آن
۱۶۵	ه: فتح مداین و نقش سلمان
۱۶۷	حمایت ایرانیان از سپاه اسلام
۱۶۸	تدبیر حکیمانه امام علی علیه السلام در برابر شورشیان
۱۷۰	انتخاب کوفه برای شهرسازی
۱۷۱	پی نوشت‌های فصل اول
۱۷۳	فصل دوم: فرمانروایی سلمان در مدائن
۱۷۳	سلمان در اصفهان
۱۷۳	ساده زیستی سلمان در مدائن
۱۷۵	نامه‌ی علی علیه السلام به سلمان
۱۷۶	نامه‌ی سلمان به علی علیه السلام
۱۷۶	پاسخ سلمان به نامه‌ی علی علیه السلام
۱۷۸	داستان حضرت شهریار
۱۸۱	شکست ایرانیان چرا؟
۱۸۲	مذاکره رستم با نماینده ایران
۱۸۴	کشته شدن هرمزان و دفاع علی علیه السلام از مدائن

بخش سوم: داستان‌های شنیدنی درباره سلمان

۱۸۹	فصل اول: آرزوی تاج کیانی و سخن فردوس
۱۹۰	فردوسی کیست؟
۱۹۳	فصل دوم: علل گرایش ایرانیان به تشیع
۱۹۴	مرحله اسلام‌گرایی ایرانیان در نیمه نخست قرن اول
۱۹۵	نقش سلمان و حذیفه بن یمان
۱۹۷	امامت پربار امام علی علیه السلام در کوفه
۱۹۹	مناشده امام علی علیه السلام در رجه کوفه
۲۰۲	شرکت ایرانیان مسلمان در جنگ صفین
۲۰۲	مظلومیت شیعیان و محبوبیت علویان
۲۰۴	توجه مهرآمیز امام علی علیه السلام به شیعیان مدائن
۲۰۵	نهضت امام حسین علیه السلام و پیامدهای آن

۲۰۶		نگاهی به قیام مختار و نقش ایرانیان در این قیام
۲۰۹		شهادت بسیاری از ایرانیان در قیام مختار
۲۱۰		نهضت فرهنگی امام صادق (علیه السلام) و نقش آن در تشیع ایرانیان
۲۱۱		بیم قدرت طلب‌ها از نقش حدیث
۲۱۳		پی نوشت‌های فصل دوم
۲۱۶		تجدید نظر در وضع حدیث
۲۱۶		انگیزه جعل حدیث و نوع آن
۲۱۷		سبک فضیلت در اسلام
۲۲۰		برای شان زنی بندگان قدرت طلب
۲۲۰		انگیزه دوم برای جعل حدیث
۲۲۷		نظام فضیلت و برتری در اسلام
۲۲۷		فریبکاری دروغ پردازان در دین اسلام
۲۲۹		معجزه علی در نشر فضائل علی
۲۳۱		امضا الهی بر نشر فضائل علی
۲۳۵		فضائل علی جمال جمیل اسلام
۲۳۷		حفظ و نشر معارف اسلام به فضائل علی است
۲۴۰		ارزش جهانی اسلام وابسته به افضلیت علی است
۲۴۳		فضائل و مناقب وسیله عبور از گذرگاه رنج بار طبیعت
۲۴۶		نشر مناقب علی تامین کننده سعادت اجتماع
۲۵۰		نمونه‌ای از فروغ فضائل امام علی
۲۵۳		

بیشگفتار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَى حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَذُرِّيَّتَهُ الطَّاهِرِينَ أَئِمَّةَ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ بَابِ الْهُدَى إِلَى بَابِ الضَّلَالَةِ. (۱)

ترجمه: پیامبر خدا که درود خدا بر او و بر خاندان پاک او باد فرمود: کسی که دوست دارد زندگی کند به طریقی که من و بمیرد به مرگی که من مرده‌ام و داخل شود در بهشتی که پروردگارم در بهشتی که پروردگارم به من وعده داده است پس باید ولایت علی را قبول کند و ولایت فرزندان پاک او را که امامان هدایتگر هستند و چراغ‌های فروزان در تاریکی‌ها بعد از او زیرا آن هرگز خاموش نمی‌گردد. اما از باب هدایت به سوی دروازه گمراهی نمی‌برد.

در تاریخ اسلام و مذهب، فضل امامت به نام همایون ابوالحسن امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام آغاز می‌شود.

علی سید الوصیین و امام المتقین، در حقیقت انسانی فوق انسان است، بشری است که نمی‌توان خصایل حمیده و ملکات فاضله را با خصائل و ملکات بشری سنجید.

نمی‌توان نام مبارکش را در ردیف نام‌ها و علایق نهشت. تاریخ اسلام تاریخ امپراتوری عرب و تاریخ فجایع و مفاسد نیست، هر چه فضیلت و منقبت دارد، هر چه روشنی و افتخار دارد، هر چه مشقت و مرارت دارد. همه جز نام علی شایع می‌شود و بنام علی خاتمه می‌گیرد.

علی یعنی نخستین مردی که دین مقدس اسلام را صمیمانه پذیرفت و پای جان به پایش ایستاد.

علی یعنی نخستین انسان مسلمان که نفس خود را به محمد، یعنی خدای محمد و دین محمد تقدیم داشت. و همه جا فداکارانه از اسلام دفاع کرد.

علی یعنی همان جوان هاشمی که قبول کرد در برابر هزاران تیر کشنده بایستد و در

۱- ینابیع المودة علامه شیخ سلیمان حنفی، جلد ۱، ص ۱۲۷، چاپ استانبول + المناقب

خوارمی ۳۴+ حلیة الاولیاء حافظ ابو نعیم ۸۶/۱ چاپ بیروت + الاصابه عقلانی ۵۵۹/۱.

زیر هزاران شمشیر کشیده بخوابد و در عوض برادر و وصی و جانشین رسول الله ﷺ باشد. او خلیفه بر حق رسول اکرم بود ولی خود قیام نکرد، تا مبادا دشمنان دین اسلام به بهانه این قیام فرصت بگیرند و به روی اسلام شمشیر بکشند.

این فداکاری در تاریخ زندگی بشر بی نظیر است. حقیقت و ارستگی و گذشت را علی در این سکوت بیست و پنج ساله به فرزندان آدم نشان داد. امام بود، ولی به مأمومیت رضا داد. مطاع بود، ولی به خاطر دین اسلام قبول کرد که مطاع باشد.

همان تعبیری که خود در خطبه مشهور «شَقَشَقِيَّه» می گوید: «فَصَبِرْتُ فِي الْعَيْنِ قَدِيٌّ وَفِي الْخَلْقِ شَجَاءٌ» آن کس که خاری در چشم یا استخوانی در گلو دارد، چه اندازه ناراحت و معذب است.

علی طی یک قرن استخوان در گلو و خار در چشم داشت و معهداً صبر کرد تا نکند دین جوانان اسلام هدف تعرض و حمله دشمنان اسلام قرار گیرد. وی ترجیح داد که در راه مرارت و رنج بیند و با شدیدترین و سنگین ترین فشارها بسازد، ولی دین اسلام را بر هیچ این آن نبیند.

گفته شد این چه بشریست که بشری ای و گر نمی ماند. این چه آدمیزاد است که در مقام آدمیت تک و تنها ایستاده و مانند سایر انسانها از خود نمی پذیرد.

پس این انسان فوق انسان. این بشر اجل اعظم از بشر حتماً بشر نیست. حتماً مخلوق نیست. علی را در یک چنین چهره بدیع دیدند گفت: «بشر کبریا» کردارش را، صفات عالی و فطرت منیعش را با دیگران سنجیدند. و بالاخره وی را به سجده یافتند. آهسته آهسته این فکر تقویت شد و به مرحله ی غلو رسید.

این جا که در برابر علی به سجده افتادند و وی را از درجه ی یک متعلق به مقام خالق بالا بردند.

ولی علی خود را خوب می شناخت. علی خود را هرگز نمی پنداشت که تنها خاضع ترین و خاشع ترین و مخلص ترین و وارسته ترین بندگان درگاه الهی بود، بلکه تا درجه ای تواضع و فروتنی می فرمود که می گفت: «أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ مُحَمَّدٍ» من از بندگان محمدم. علی با آن که وی را خدا شمرده بودند و در برابرش به سجده افتاده بودند! ابتدا پند داد. نصیحت کرد. و از توحید و تمجید ذات لایزال و بی شریک الهی سخن ها گفت و وقتی دید این قوم از عقیده باطل خود باز نمی گردند دستور فرمود که مطابق شریعت اسلام، کیفر

کفر را در کنارشان بگذارند.

علی علاوه بر شخصیت بی نظیرش در علم و اخلاق و شهامت و شجاعت و ایثار، از جنبه تاریخی افتخار تاریخ بنی آدم است. سخنانی از خود در دفتر فصاحت و بلاغت گیتی به یادگار گذاشته که جا دارد برنامه زندگی بشر باشد. برنامه‌ای که انسانیت را در دشواری‌ها و مشقات زندگی نهج البلاغه، این کتاب که مجموعه‌ای از منتخبات گفتار علی بن ابیطالب است. اکنون در کنار قرآن کریم قرار دارد و سزاوار است که این کتاب را جلد دوم قرآن بشناسند و همچون قرآن مجید، هادی و راهنمون خویش قرار دهند.

مائل و مکارم علی به کتاب نهج البلاغه انحصار ندارد. ولی اگر علی جز این کتاب یادگار و گریه بر این بشریت نمی‌گذاشت.

اگر علی بود همین نهج البلاغه کافی بود که وی را به جهانیان بشناساند. دکتر طه حسین مصری در کتاب «مسیح و فرزندش» می‌گوید: «پس از سخنان امیر المؤمنین علی سراغ ندارم». شخصیت اقدس و بالای علی ارواحناه فداه انسان برجسته و پر فروغ است که گذشته از سرزمین‌های اسلام به کشورهای غیر مسلمان و اقطار گیتی نیز پاشیده است. و این خود انگیزه‌ای است برای تقوی و مستشرقین که گاه گاه کتابی سودمند و تحقیقی عمیق درباره علی علیه السلام به سیفتگان خط و فضیلت عرضه بدارند.

علی علیه السلام به شهادت تاریخ و اعتراف دشمن در کمالات انسانی ممتاز و در فضائل اسلامی و خصائل انسانی نمونه کاملی از شخص پیامبر اکرم بود.

بحث‌ها و تحقیقاتی که پیرامون شخصیت نورانی ایشان شده است و رساله‌ای که در این مورد شیعه و سنی و مسیحی و سایر بزرگان کسی بودند که بی‌تفاوتی فریاد بزند که «منم کلام الله ناطق» و از همین جهت است که شیعیان علی و اتباع آنست پیامبر گرامی از میان تمام فرق اسلامی تعبیر به فرقه ناجیه می‌شوند.

علی نخستین کسی است در اسلام که در بیانات علمی خود شیوه استدلال را برپا داشت. در باطن قرآن سخن گفت و برای حفظ اصالت زبان عرب که جامع‌ترین زبان آن گره ارض است و قرآن عظیم به آن زبان نازل شده است دستور زبان عربی را وضع فرموده و یگانه خطابه و فصل الخطاب از او شروع و به او ختم شده است.

علی در جهان به شجاعت و جوانمردی و رأفت و رحمت و لطف و محبت ضرب المثل بوده و در همه ی نبردهائی که در زمان پیامبر و بعد از او شرکت نموده نه تنها تاریخ به معنی الاعم اضطراب و هراسی از او ثبت نکرده است بلکه او را همیشه و همیشه

«مستمست» یعنی مرگجو نشان داده است.

و با این که یاران پیامبر اکرم و سپاه اسلام در جنگ‌هایی مانند احد و حنین و خیبر و خندق بر خود لرزید و پراکنده شدند او هرگز پشت به دشمن نکرد و دیده نشد که قهرمانی با وی پیکار نماید و جان به سلامت برد.

با این وصف در نهایت قدرت ناتوان رانمی کشت، گریزنده را دنبال نمی‌کرد، شبیخون نمی‌زد و آب بروی دشمن نمی‌بست، حضرت امیر در پرهیزگاری و زهد و آبادی نیز یگانه بود، در مهربانی به زیردستان و رسیدگی به بینوایان و نوازش یتیمان که ششی بیدریغ و توان فرسا داشت هر چه که در نتیجه زحمت خود به دست می‌آورد در راه خدا به مستمندان می‌داد و خود با سخت‌ترین و ساده‌ترین وضعی زندگی می‌کرد، کشورش را دوست می‌داشت و غالباً به استخراج قنات و درخت کاری و آباد کردن زمین‌های بی‌سرپرست و بی‌ساخت و به این وسیله هر زمینی را که آباد می‌کرد و هر قناتی را که بیرون می‌آورد به نفع مستمندان می‌کرد.

خاندان عصمت و طهارت اساس و رکن دین مبین اسلام و همدیف قرآن کریم است. آن‌ها دشمنی خود را از مخالفت با این خانواده برجسته و شرافتمند و خدانشناس آغاز می‌کنند. و برای رسیدن به هدف‌های اهریمنی و سروری‌های مرده و زنده خود را برای القاء شبهه و سم‌پاشی تجهیز نموده و سعی می‌کنند که از طریق ایجاد تزلزل و تردید در معتقدات مذهبی، جوان‌ها را به طرف الحاد و بیدینی کامل سوق دهند یعنی وقتی که دیدند اسلام را نمی‌توانند نسخ کنند مأموریتشان در کسوت تقاضای دین برآمدند.

و پس از تبلیغات اهریمنی و بدآموزی‌ها فلان مسیحی، یهودی، مبنای اسلام و خاندان عصمت بکشند و همه حقایق را انکار کنند و این موضوع را به آرزوی دشمنان شناخته شده‌ی اسلام «صلیب و صهیون» است و این دشمن خطری که در آخرت و آخرت هم پیمان شده‌اند تا امتیازات معنوی و انسانی را از مسلمین ربوده آن‌ها را به زنده‌ی اسارت و استثمار خود ببندد و هر حزب کثیفی را به عنوان دین بر آن‌ها تحمیل نماید.

این تبلیغات مسموم بهانه‌ای به دست افراد مزدور و مغرضی داده است که به امید پاداش به اصطلاح خوش رقصی را آغاز نموده‌اند و ضمن تمجید از اعمال زندگی غرب مردم ساده را نیز به بدبینی و غرب زدگی دعوت و آن‌ها را به مسائل مذهبی مشکوک می‌نمایند و با ارائه چند مطلب موهوم و ساختگی به خیال باطل خود پایه‌های استوار ولایت را متزلزل می‌کنند. اگر این افراد واقعاً مسلمان و اسلام شناسند بایستی بفرموده قرآن

از ابراز محبت و خلوص نسبت به خاندان پیامبر سر پیچی و امتناع نمایند زیرا تاریخ خاندان دیگری اینسان پر شکوه و جاودانه بیاد ندارد. اسلام دین پدیده‌های پراج انسانی است و علی سیمائی است که ایدئولوژی بزرگ اسلام را در اعمال خود نمودار می‌کند، تربیت یافته مکتب پیامبر در پیکره تاریخ اسلام ماندنی ندارد، بت شکن بزرگ اسلام در زندگی پرافتخارش هم بابت‌های بیجان و هم بابت‌های جاندار و متحرک مبارزه کرد. او به کم‌حک‌ترین گناه آلوده نشد، بر بت سجده نکرد، محبوب و برادر گرامی رسول خدا بود، بر برادرها رشادت و شجاعت و عظمت و فداکاری او را در پیکارهای خونین ستود.

در نهج البلاغه همان کتابی که دارای زیباترین سخنان جاودانه و لطیف‌ترین احساب‌ای است درباره نبرد با زورمندان جلاد و اجراء عدالت و مساوات اسلامی می‌بینیم که جلوه شمشیر چه زیبا و دل‌انگیز است و پیکار و شهادت در راه خدا چه پر شکوه... کوفیه وفان آرام و گوشه‌گزین می‌توانند شمشیر آخته بر دست گیرند و رزمنده‌ای یگانه سازند. قهرمان نامی جهان توانسته و می‌توانند زاهدی خداشناس و وارسته و با ایمان باشند. حضرت امیر دارای صفات متضاد بود، به دستی شمشیر و همان شمشیر هم فقط برای مبارزه با ائمه مکتاتوری و غلبه حق بر باطل و کوبیدن کانون‌های فساد بود و بدست دیگرش اخلاق و انسانیت و عدل و مهربانی و عاطفه و دادگری و گذشت داشت. علو طبع و بزرگواری و اخلاص عملی حضرت از داستان زیر بخوبی نمایان می‌شود، در جنگ خندق امیرالمؤمنین خم شد تا که عمر و رای یک سره کند اما عمر بن عبدود که دفتر داستان زندگیش پایان می‌گرفت و در راهش بدست نوجوانی بسته می‌گشت نتوانست تحمل کند و آن را توهینی بخود پنداشت.

در آخرین لحظات عمر خود توانائی انجام هیچ کاری نداشت تنها می‌توانست شکست را با انداختن آب دهان به سوی هم‌رزم خود جبران کند.

می‌توان حدس زد که هر صاحب قدرت دیگری که به جای علی آمد چه اندازه خشمگین می‌شد و نفرتش اوج می‌گرفت و بید رنگ ضربه انتقام را بر مغز شن فروود می‌آورد، اما علی لحظه‌ای صبر کرد، ایستاد، درنگ کرد و مقداری راه رفت تا مگر غضبش فرو بنشیند، و به گمان این که علی شکست خورده است و جدی در منافقین پدید آمد، او شمشیر را برای پیش برد انقلاب مقدس اسلام به دست گرفته بود، نه امور شخصی، او نمی‌توانست خشم خود را در لباس اسلام جای دهد آیا هیچ شخصیت دیگری می‌توانست در آن لحظه چنین فکر کند و این گونه خود داری بخرج دهد با وجود این

حادثه دیگری روی داد که عظمت روح بلند پرواز و طبع سخاوتمند علی را بیش تر نشان می دهد عمرو به خیال خود خواست جواب شکستی را که از علی دیده بود با انداختن آب دهان بدهد، ولی خودداری علی از واکنش او را خفیف تر کرده بود و حال که مرگش نزدیک شده بود نکند و زره از اندامش نگیرد در آن روزگار مرسوم بود که فاتحان سلاح و زره خصم شکست خورده را برمی داشتند و بر افتخارات خود می افزودند و این برای آن کسی که تن به مرگ داده بود لکه ننگی می شد که همواره گرد نامش می نشست و تن برهنه اش سرزنی برای خاندانش همراه می آورد.

زرهی که عمرو به تن داشت آن اندازه گران بها بود که می توانست هر جنگجویی را بخرید و می توانست رسم معمول را بر انداخته و رسم خود را به وجود آورد.

جوان مرده از برهنه کردن تن عمرو خودداری کرد و جسد را به سپاه قریش سپرد این عمل در سینه آن زمان اعجاب انگیز بود. بنگریم تا خواهر عمرو چگونه سخن در سوگ برادر سر می زد.

«اگر کسی دیگر علی را می شناسد او بود تا پایان عمر بر او می گریستم و در سوگ او اشک خونین می افشاندم.

اما برادرم بدست هم آوردی جوان مرده که در بزرگی و دلیری به مراتب از او فراتر بود. کشنده برادرم فرزند کسی بود که خود پدرش بزرگ و موجب سرافرازی مکه و قریش بودند». در کجای تاریخ می توان سرودی این چنین شنید؟ در کجا می توان دریافت که غصه قصه ای چنین تحمل شود؟

در پایان پیش گفتار باید گفت: اولین شخصی که در مینه با اسیران ایرانی با مهر و محبت صحبت کرد و مدافع آنها گردید و نگذاشت آنها را به غلام و کنیزی بفروشند سرپرستی همه اسرای ایرانی را به عهده گرفت امیر مومنان علی (ع).

وقتی این خبر به مردم ایران رسید روز به روز بر تعداد ارادت منان به علی (ع) بیش تر می شد این لطف و انسانیت امام علی (ع) در تاریخ ثبت گردید و در ضمن قسمت اول کتاب از یک مسیحی آلمانی می باشد که قسمتی از سخنان او را در کتاب مطالعه می فرمایید گرچه بعضی از گفته های ایشان با عقاید شیعه مطابقت ندارد - چون این شخص یک نویسنده اروپایی می باشد که مانند ما اعتقاد - به علم لدنی و عصمت امام ندارد - لذا در فصل های دیگر کتاب از مقام ملکوتی امیرالمؤمنین مطلع خواهید شد.